

شیوه های تشویق و تنبیه و اثر آن بر روند تربیتی کودک و نوجوان

محمد جواد ایزدی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان فارس، شیراز، ایران

چکیده

تشویق و تنبیه از جمله عواملی هستند که در انجام هر کاری به خصوص امر یادگیری نقش پررنگی دارند. که این دو بسته به روش به کار گیریشان می توانند اثر متفاوتی داشته باشند. با این وجود باید راهی یافت که همه افراد بالاخص معلمان با استفاده از روش های صحیح تشویق، نحوه درست تنبیه و همچنین با آگاهی از تاثیر تشویق و تنبیه در یادگیری در جهت القای یادگیری موثر گام نهند. حال آنکه تشویق و تنبیه به چه روشی دارای تاثیر منفی و به کدامین روش موجب تاثیر مثبت می شود موضوعی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. در این مقاله برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده و با بررسی کتب و مقالات مرتبط این مقاله نوشته شده است. در ابتدا تعریفی علمی از تشویق و تنبیه و سپس راهکار ها و روش های صحیح تشویق و تنبیه و اثرات آن بر رویه تحصیلی و تربیتی کودکان و نوجوانان آمده است و به این می پردازیم که کدام روشها درست و صحیح و کدامیک دارای تاثیر منفی در یادگیری دانش آموزان می باشند. در این مقاله به صورت مفصل روش های مختلف تشویق و تنبیه مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه گرفته شد که روشهایی از جمله کم توجهی، جایگزین تنبیهات فیزیکی شود چراکه تنبیه بدنی آثار زیان باری بر فرد دارد، ضمن اینکه آثار این تشویق ها و تنبیهات متوجه یادگیری نیز می شوند و می توانند مسیر یادگیری را دگرگون کنند.

واژه های کلیدی: تشویق، تنبیه، تربیت، معلم، کودک، نوجوان

۱. مقدمه

با توجه به اهمیت نقش تشویق و تنبیه در سال های کودکی و نوجوانی و اثر آن بر رویه تربیتی و تحصیلی کودکان و نوجوانان همچنین اهمیت آن در ساخت آینده ای خوب برای همه کودکان و نوجوانان و با توجه به اهمیت آن در اسلام و جامعه ی آموزش و پرورش و خانواده های اسلامی، باید به دنبال آن بود که با یادگیری هرچه بهتر روش های مناسب و رعایت میزان و چگونگی تشویق و تنبیه، نقش موثری در عملکرد و آینده کودکان و نوجوانان ایفا کرد.

تشویق و تنبیه یکی از ابزار های مهم تعلیم و تربیت است که تاثیر زیادی بر روابط میان انسان ها، اصلاح رفتار و انگیزش دارد. این ابزار نیز همانند تمامی روش ها و فنون تربیتی، آن گونه از حساسیت خاصی برخوردار است که کاربرد به جای آن آثار مثبت و سازنده و کاربرد نابجای آن سبب بوجود آمدن رفتار های منفی و مخرب مانند افسردگی، ناکامی، بی تفاوتی، تعارض و احیانا پرخاشگری در میان معلمان و دانش آموزان می شود. از این مهم تر کاربرد نا به جای تشویق و تنبیه، نگرش دانش آموز را نسبت به معلم و مدیر و مدرسه به نگرشی منفی سوق می دهد که تنفر، بیزاری، فرار از مدرسه و نظایر آن را موجب می شود.

تشویق و تنبیه اثر تربیتی دارد و هیچ تربیتی بدون این دو امکان پذیر نیست. تشویق به عنوان موتور محرکه در مربی میل و انگیزه ایجاد می کند و اگر تشویق نباشد او حرکت نمی کند؛ در حالیکه تنبیه، بیشتر جنبه بازدارندگی دارد یعنی نمی گذارد که فرد در مسیر تربیت، از مسیر اصلی خودش منحرف شود. تشویق و تنبیه در اصول تربیتی مانند دو بال حرکتی هستند که هر دو باید در کنار یکدیگر نقش تربیتی خود را ایفا کنند.

تشویق و تنبیه دو روش تربیتی و از اجزا جدا نشدنی فرایند تعلیم و تربیت بوده و استفاده از آن هم در تعلیم و تربیت رسمی و مدرسه و هم در تعلیم و تربیت غیر رسمی و خانواده رایج بوده است. تشویق و تنبیه در ابعاد مختلف زندگی انسان به ویژه آموزش نقش پر رنگی دارد که در بعد دینی، اسلام و قرآن هم مورد توجه قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد که تنبیه، اغلب اوقات نه تنها تاثیری در جنبه ی تربیتی ندارد بلکه آثار مخربی هم در پی دارد. تشویق کردن به مراتب تاثیر تربیتی بیشتر و بهتری دارد و مقدم بر تنبیه است و تشویق مناسب و سنجیده باعث عمق بخشیدن به یادگیری شده و چون جنبه ی بازدارندگی دارد، از انجام کارهای ناپسند در نوجوانان می کاهد. (مسعودی راد، بهنام، مسعودی راد، ۱۴۰۰).

۲. روش شناسی

در مقاله پیش رو علاوه بر استفاده از کتاب های تربیتی و روانشناسی کودکان و نوجوانان و مقالات معتبر علمی و استفاده از اینترنت و فضای مجازی، با انجام تحقیق و مصاحبه هایی سعی در افزایش دانش خود در این زمینه نمودم.

۳. بحث درباره یافته ها

۳-۱ جایگاه تشویق در تربیت

تشویق در معنای لغوی به معنای ایجاد شوق، میل و انگیزه در فرد تحت تربیت است (معین، ۱۳۵۰). در اصول تربیتی منظور از تشویق ایجاد میل و شوق در فرد مربی برای انجام رفتار خاص است. در زبان فارسی نیز تشویق اینگونه است که وقتی کودک یا نوجوان تحت تربیت، کار خوبی انجام داد مربی برای تشویق او جایزه می دهد. تشویق یکی از ابزار های مهم تربیت است که مربی می تواند از آن بهره گیرد و کودک را به کار های نیک علاقه مند سازد و کودک در سایه تشویق، از بسیاری از خواسته های خود چشم می پوشد و به سوی هدفی که مورد نظر مربی است گام بر می دارد.

نیاز به تشویق از تمایلات فطری هر انسان است که تا پایان عمر در او باقی می ماند. این خطا است که تصور کنیم شخص از آن جهت که بزرگ شده و خوب و بد را می فهمد احتیاج به تشویق ندارد زیرا بسیاری از تلاش ها و رقابت های بزرگسالان به منظور به دست آوردن تشویق و تحسین دیگران است. (خورشیدی، حشمت زاده، ۱۴۰۱).

۳-۲ شیوه تشویق

تشویق گاهی زبانی است که مربی با دلجویی و بیان جملات محبت آمیز رفتار و گفتار کودک را مورد تشویق قرار میدهد، او را به کارش دلگرم و امیدوار می کند و گاهی مربی با به آغوش گرفتن کودک و نوازش او، نگاه توأم با لبخند، خرید شکلات، اسباب بازی، لباس و یا بردن او به گردش، کودک را به خاطر عملی که انجام داده است می ستاید. نکته لازم به تذکر این است که در نوع و شیوه تشویق باید سن و درک کودک را مورد توجه قرار داد و تشویق را به موازات نوع عمل و درک او تغییر داد. به عنوان مثال بهترین تشویق برای یک کودک ۴ ساله یک شکلات است و برای یک نوجوان ۱۴ یا ۱۵ ساله یک گردش علمی، دیدار از موزه و شخصیت های اجتماعی بهترین تشویق ها هستند. (کشاوری، منصور، ۱۳۹۴)

بهترین نوع تشویق آن تشویقی است، که به گفته روانشناسان از تاییدی درونی برخوردار بوده و طفل از انجام عمل، قلبا احساس رضایت کند. این حالت شاید در سنین خردسالی برای کودک به دست نیامده باشد ولی از حدود سنین ۷ سالگی به بعد که مسئله تفکر منطقی در کودک پدید آمده و رشد پیدا میکند این راه حاصل شدنی است.

از نکات مهم در تشویق این است که بکوشیم تا در حد امکان تشویق ها کمتر صورت مادی پیدا کنند و تکیه اساسی روی جنبه های غیر مادی باشد. این به این خاطر است که اگر قرار باشد ما برای هر کار خوبی که از کودک میبینیم تشویق ماده کنیم مشکلاتی پدید می آید. یکی اینکه برای موثر تر شدن تشویق مجبوریم در هر مرحله تشویق مادی خویش را از دفعه قبل بیشتر کنیم وگرنه تشویق ما تکراری بوده و اثر خود را از دست میدهد. مورد دوم اینکه کودک به تدریج فردی مادی و مال دوست شده و در افراطی به عمل می آید که در برابر هر کاری که انجام می دهد انتظار پول و مادیات خواهد داشت. در سایه چنین تشویقی عادت غلطی در کودک پدید می آید زیرا او دیر یا زود وارد اجتماع می شود و همان توقعات را که از پدر و مادر و مربی داشته از اجتماع دارد و طبیعی است که اجتماع آن را برآورده نکند و این خود مایه سرخوردگی و یاس، و در نتیجه ترک وظیفه در انسان میشود. (ممتحن، ۱۳۹۱).

در همین رابطه ضروری است که به این نکته متذکر شویم که شدت علاقه والدین و مربیان به کودک نباید سبب آن شود که طفلی بیجا و بدون استحقاق مورد تشویق قرار گیرد و کار نکرده به اجر و مزدی برسد زیرا این ارزش تشویق را به عنوان وسیله های محرک و جهت دهنده از بین میبرد. تشویق یک وسیله به یک ابزار کمکی برای تربیت است و باید آن را کجا و چگونه به کار برد. تشویق بیجا نوعی تصنع برای کودک به حساب می آید کودک در حد در کشور خود تصنع را می تواند در یابد و این درجه به زیان پرورش و تربیت اوست. آنجا که جای استحقاق نباشد، کودک از هرچه که تشویق نام دارد گریزان است و باید هنگامی تشویقش کنیم که کودک لااقل خود را تا حدودی مستحق آن بداند.

۳-۳ آثار تشویق

۱. تشویق، خستگی و ناامیدی را از کودک دور می سازد و او را نسبت به هدف و راهی که انتخاب کرده امیدوار می سازد. (قائم، ۱۳۷۷).
۲. کودک با تحسین و تشویق در صدد اصلاح ناسازگاری ها و نقاط منفی اخلاقی خود بر می آید و بسیاری از شیوه های غلط رفتاری خود را اصلاح میکند. (سیف، ۱۳۷۹)
۳. تحسین رفتار و گفتار کودک باعث می شود که در سر دوراهی ها سرگردان نشود در کاری که انجام می دهد کوشا تر و جدی تر باشد.

۳-۴ نکات تشویق

۱. هنگام تشویق کودک باید بفهمد که به چه جهت مورد تحسین قرار گرفته است.

۲. تشویق نیز باید هر چند وقت یکبار و در برابر کارهای برجسته کودک باشد نه به صورت همیشگی و برای هر کاری، زیرا در این صورت تشویق اثر خود را از دست خواهد داد.
۳. تشویق نباید از حد اعتدال تجاوز کند، زیرا ممکن است کودک را به خود بینی و خودستایی گرفتار کند.
۴. تشویق نباید شکل رشوه به خود بگیرد زیرا در این صورت اثر مثبت و سازنده نخواهد داشت.

۳-۵ جایگاه تنبیه در تربیت

تنبیه در سه معنای عام، خاص و اخص به کار رفته است و هر سه معنی هم در تعلیم و تربیت کاربرد دارد. از نظر عام به معنای آگاه ساختن و هوشیار کردن است و در معنای خاص به اینگونه است که وقتی کودک و نوجوان کار نا مطلوبی انجام می دهد ما در مقابل کار نادرست او رفتاری انجام می دهیم که برای او نامطلوب باشد به عنوان مثال اگر وی علاقه به برنامه های تلویزیونی دارد برای تنبیه او تلویزیون را خاموش میکنیم. تنبیه به معنای اخص نیز همان تنبیه بدنی و زدنی میباشد. در لغت تنبیه به معنای بیدار کردن و آگاه کردن کسی بر امری است. (معین، ۱۳۵۰). از این رو تنبیه همیشه به معنای کتک زدن، ملامت کردن و اعمال فشار نیست بلکه هدف آگاه کردن شخص ممکن است با نصیحت، ارشاد و موعظه حاصل شود و متوجه خطای خود بشود. پس تنبیه به خاطر هدایت است و نه فرو نشاندن خشم مربی. در نظام تربیتی اسلام اصل تنبیه به عنوان عاملی بازدارنده پذیرفته شده است زیرا جامعه و مردمی که در برابر اعمال رفتار خود کنترلی نبینند با نصیحت و گاه اعمال فشار و کیفر محدود نمی شوند و در نهایت طغیان خواهند کرد.

۳-۶ شیوه تنبیه

تنبیه شرايطی دارد اما مسئله ای که اهمیت زیادی دارد و باید به آن توجه زیادی داشت این است که تا جایی که امکان دارد نباید از تنبیه بدنی استفاده کرد بلکه برای تنبیه باید مرحله به مرحله پیش رفت که این مراحل به ترتیب عبارتند از:

- ۱- تغافل و بی توجهی کردن
 - ۲- چهره درهم کشیدن
 - ۳- قهر کردن
 - ۴- محروم کردن
 - ۵- تنبیه بدنی
- شیوه عاطفی بهترین و موفق ترین شیوه تربیتی است کودک باید با مفهوم جملاتی از قبیل دوست دارم و دوست ندارم والدین آشنا شود و آثار مطلوب و نامطلوب آن را در یابد؛ تخلفات کودک باید با چهره ناراضی والدین رو به رو شود و از برخورد مربیان خود راه و روش صحیح و مورد نظر آنها را پیدا کند. کودک باید همیشه مورد مهر و رزق و خوش رفتاری والدین قرار گیرد نصیحت های آنها را مانند تابلویی در مقابل خود تجسم کند. گاه پیش می آید چه رفتار خلاف کودک با پند و اندرز اصلاح نمی شود و در شیوه رفتاری خود تغییری نمی دهد، در این صورت والدین با استفاده از روش های مناسب و با توجه به نوع خطا اقدام کنند. تنبیه بدنی به عنوان یک عامل بازدارنده (در صورت عدم کارایی دیگر ابزار تربیتی) به حساب می آید که البته چندان سازنده نیست زیرا کودک ممکن است از ترس کودک، به ظاهر مرتکب خلاف نشود، اما عادت زشت خود را از دست ندهد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: خردمند، با ادب پند می آموزد و حیوانات با کتک زدن تربیت می شوند. فردی نیز در خدمت امام صادق شریفیاب شد و از فرزند شکایت کرد، امام در پاسخ فرمودند: او را زن، با او قهر کن ولی این قهرت را طولانی نکن.

با توجه به مطالبی که گذشت و با عنایت به اینکه سراسر وجود کودک سرشار از عاطفه است و بسیاری از رفتار و گفتار های خود را بر اساس برخورد های عاطفی والدین خویش قرار می دهد، امامان در بیان شیوه های تربیتی به ویژه در مورد کودکان مربیان

را به استفاده از این فن و شیوه تشویق کرده اند. والدین و مربیان که با کودک و فرزندان خود با خوش رفتاری و محبت برخورد می کنند میتوانند از قهر کردن با کودک به عنوان یک وسیله اصلاحی بهره برداری کنند. (دلشاد، ۱۳۸۰). البته بیشتر والدین در برخورد با خطاهای کودکان آنها را تنبیه نمی کند اما بیش از آن کودک را مورد سرزنش و ملامت خود قرار می دهند که این شیوه موجب گستاخی کودک در برابر والدین خود می شود و زمینه اصلاح او را از بین میبرد. در تربیت، از ملامت به عنوان یک وسیله اصلاحی حساب شده میتوان استفاده کرد. ملامت لازم نیست که به صورت غلیظ و همراه با خشونت باشد بلکه ممکن است به صورت سوالاتی از کودک باشد که او را وادار به اندیشیدن و فکر کردن در مورد رفتار خود کند. برای مثال می توان به دور از عصبانیت با جملاتی از قبیل: آیا در خطاهای خود فکر آبروی خود و ما را نکردی؟، آیا نمی خواهی در رفتار و گفتار خود تغییری ایجاد کنی؟، آیا فکر می کنی این کاری که کردی درست است؟ و او را متوجه خطایش کرد.

مربیان که برای تربیت کودکان خود با ابزار سرزنش و ملامت جلو میروند و او را به خاطر کوچک ترین لغزش و بدون در نظر گرفتن نوع خطا و سن کودک او را مورد سرزنش قرار می دهند، بزرگترین این اشتباه را مرتکب می شوند. افراط در سرزنش کودک را لجباز و ناامید بار می آورد به طوری که خود را قابل اصلاح نمی دانند و به تدریج تعادل روانی خود را از دست میدهد و برای خود آینده ای تاریک تصور می کند از این رو برای آرام کردن خود به خرابکاری، فریبکاری، سیگار، فرار از خانه مدرسه روی می آورد و گرفتار نا آرامی عصبی میشود. امام علی (ع) در این باره می فرماید: زیاده روی در سرزنش، آتش لجباجت و لجبازی را شعله ور می سازد.

برخی فکر میکنند که بهترین راه برای تغییر بد رفتاری کودکان، انتقاد، اخم و قهر کردن با آنها است. باید گفت که این شیوه برخورد اشتباه است و ایراد های بسیاری دارد: سرزنش های مکرر میتواند اعتماد به نفس یک کودک و توانایی اش را برای تغییر کردن نابود سازد. (فارابی، ۱۳۷۱) این روش هم والد را آزار می دهد و باعث می شود روی رفتار های بد تمرکز و توجه شود.

۳-۷ نکات مهم در تنبیه کودک

- در تنبیه پدر و مادر با هم اقدام نکنند، اگر یکی طفل را تنبیه کرد دیگری به عنوان پشتوانه روحی او باقی بماند. (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۷).
- پیش از تنبیه باید ریشه تخلف را کشف کرد و سپس به رفع آن اقدام نمود.
- تنبیه بدنی به عنوان آخرین ابزار تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.
- باید عمل کودک را تنبیه کرد، نه شخصیت و تمام وجود او را.
- تنبیه با جرم و خطای کودک متناسب باشد. (سیف، ۱۳۷۹)

۳-۸ زیان های تنبیه

با توجه به مباحثی که در مورد تنبیه گذشت باید اشاره ای نیز به زیان هایی که تنبیه می تواند داشته باشد کرد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره کرده ایم:

۱- شکستن شخصیت:

تنبیه به صورت بدنی و چه روانی از قبیل سرزنش، تحقیر، محرومیت و ... شخصیت افراد را خورد میکند و کودک را تدریج آن به سوی انزوا و گاهی هم فساد شخصیت می کشاند.

۲- بی اعتمادی به مربیان:

تنبیه سبب آن خواهد شد که اعتماد کودک از والدین و مربیان سلب شود و آنها را افراد زورگو و متجاوز و یا غیر عادل و ستمکار به حساب آورد. کودکی که از والدین و مربیان کتک خورده نمی تواند نسبت به حسن نیت و قابل اعتماد بودن آنها مطمئن باشد.

احساس در کودکان کم سن بیشتر پیش می آید هنگامی که نداند چرا تنبیه شده اند و علت کتک خوردنشان چه بوده است. آنها گمان دارند که مربیان و والدین از قدرت خود سوء استفاده کرده و محبتشان دروغین است.

۳- ایجاد زمینه برای خشونت ها:

تنبیه ممکن است جلوی سر به هوایی کودکان را گرفته و به طور موقت آرامش و سکون را در محیط شلوغی که او ساخته است فراهم آورد ولی این امکان هم پدید می آورد که قدرت عمل و ابتکار را هم از دست مربی خارج ساخته و زمینه را برای خشونت های بیشتر کودک در آینده فراهم سازد.

۴- پیدایش ترس و اضطراب:

تنبیه در بعضی از موارد امکان دارد زمینه ساز ترس و اضطراب کودک گردد. ترس کودک از والدین و مربیان باعث آن خواهد شد که کودک همیشه از آنها دور شده و کناره گیری کند و اضطراب سبب آن خواهد شد که قرار و آرامش از کودک سر شده و توان کار و تلاش از او گرفته شود، در چنین صورتی کودک وضع عادی و سازگارانه نخواهد داشت. در کل به این نکته باید توجه داشت که نابسامانی ناشی از ترس و اضطراب و احساس ناامنی، اثرات ناگوار بر زندگی کودک دارد و وضع حال و آینده او را دچار اختلال خواهد کرد.

۵- تسلیم و بردگی:

البته این امکان وجود دارد که تنبیه تسلیم کودک گردد و او را بشکند در چنین صورتی هم مربی موفق نخواهد شد، زیرا طفل دائماً درصدد مخفی کاری و چاره جویی برای نجات است. تسلیم ناشی از زور غیر از تسلیم ناشی از منطق و استدلال است. هنگامی که کودک راهنمایی های مربی و والدین را ناشی از زور و اعمال قدرت بداند سعی خواهد کرد به نحوی از دستورات طفره رود.

۶- جرم و تبهکاری:

بررسی ها نشان می دهد که تنبیه در مواردی عاملی برای جرم و تبهکاری فرد شده است و زمینه ساز عناصر تبهکار به جامعه خواهد شد. بر اساس تحقیقات، بسیاری از افراد مجرم و تبهکار کسانی هستند که در گذشته مورد تنبیهات سخت قرار گرفته و بر اثر خشونت هایی که دیده اند عقده ای بار آمده اند.

۷- بدآموزی ها:

تنبیهات به ویژه در مواردی که برای کودک علنی و روشن، توجیه شده نباشد می تواند درس بدی برای کودک به حساب آید. این درس بدآموز به این صورت است که منطق زور و اعمال خشونت را در آنها تقویت می کند و آنان را به آزار رسانی سوق می دهد. این رفتار از یک سو ناشی از درس نادرستی است که از والدین و مربیان گرفته اند و از سوی دیگر وسیله ای برای عقده شکنی و نجات دادن خود از احساس فشاری که در درون دارند است.

۸- آسوده کردن وجدان:

کودکی که خطایی را مرتکب شده و به دنبال آن مورد تنبیه قرار گرفته، خود را در رابطه با آن جرم مبری می بیند و وجدانش راحت است که بابت آن کار بدی که کرده عقوبت خود را دریافت کرده است و این امر نوعی معامله را در امر گناه بر فکر او مستقر می سازد و وجدان او را بابت کاری که کرده است راحت می کند و بعد ها اگر باز هم هوس لغزش و اشتباه بکند می تواند با جرئت در آن وادی وارد شود و از همان ابتدا پیش بینی وضع خود را داشته باشد. او می داند که در ازای هر لغزش چه عقوبت دشواری برای او مطرح است و به معامله با والدین و مربیان می پردازد و جریمه خود را نیز که تنبیه از طرف آنان است می داند.

۳-۹ شرایط تشویق و تنبیه

شرایط تشویق در چند محور قابل طرح است:

- ۱- باید متناسب با عمل فرد باشد یعنی اینکه اگر کودک در درسی نمره ۱۵ آورد به گونه‌ای او را تشویق کنیم که اگر بعداً نمره ۲۰ آورد بتوانیم متناسب با این نمره هم تشویق کنیم.
- ۲- هرچه رشد کودک بیشتر میشود تشویق های معنوی جایگزین تشویق های مادی گردد هرچند که تشویق مادی نیز نباید ترک شود.
- ۳- علت تشویق برای کودک بیان شود زیرا اگر علت تشویق بیان نشود اثر تربیتی نخواهد گذاشت.
- ۴- از افراط در تشویق باید جلوگیری شود و به حدی زیاد نباشد که برای فرزند بی معنا و تکراری گردد.

۳-۱۰ تشویق در مقایسه با تنبیه

تشویق و تنبیه دو نوع مادی و معنوی دارد. در تشویق مادی مربی در مقابل کار مثبت و مطلوب مربی یک هدیه مادی را به عنوان تشویق به او میدهد ولی در تشویق معنوی با اقداماتی مانند معرفی کردن کودک به دیگران، چاپ عکس او در روزنامه به عنوان شاگرد ممتاز و گفتن کلمه آفرین؛ به نیازهای معنوی او پاسخ می دهد زیرا هر فردی نیاز به این دارد که دیگران با چشم احترام به او نگاه کند لذا تشویق معنوی شخصیت حقیقی فرزندان را شکل می دهد همانطور که در سیره معصومین نیز به تشویق معنوی توجه بیشتری وجود داشته است. (سیف، ۱۳۷۹)

در مسئله تنبیه نیز تنبیه مادی همان تنبیه بدنی و جسمانی بوده ، و تنبیه معنوی بی اعتنایی و بی توجهی، عصبانی شدن و اخم کردن است حتی در سیره معصومین نیز از تنبیه مادی روایات زیادی نداریم و بیشتر به تنبیه معنوی می پرداختند و از آنجایی که در خصوص تنبیه مادی روایات محدود است می توان نتیجه گرفت که اصل کلی در تربیت، استفاده از تشویق است و اگر هم نیازی به تنبیه باشد بیشتر باید از تنبیه غیرمادی استفاده شود زیرا که در روایات آمده است که انسان، موجودی است که از طریق اندیشه، تفکر و تشویق هدایت و تربیت می شود و استفاده از تنبیه مادی فقط در موارد اندکی کاربرد دارد. (دلشاد، ۱۳۸۰).

دانشمندان بر اساس بررسی های جدید دریافته اند که کودکان تا سن ۱۲ سالگی برداشت چندانی از تنبیه ندارند و به تشویق به مراتب بیش از تنبیه واکنش نشان می دهند. محققان با بررسی مغز کودکان دریافتند تشویق کودکان در سن ۸ سالگی، مراکز ویژه رفتاری را در مغز تحریک می کند و کودک رفتارهای مثبت خود را که تشویق شده است تکرار میکند . این بررسی نشان می دهد تنبیه در کودکان ۸ ساله چنان تاثیری ندارد و کودک در این سن نمی تواند درک کند که در صورت مشاهده واکنش منفی برای یک فعالیت نباید آن را دوباره تکرار کند.

یکی از روش های بسیار موثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودک است. تشویق در روح و نهاد کودک اثر می گذارد و او را به انجام کارهای نیک و خوب ترغیب می کند . نظر به اینکه در وجود انسان آمیزه‌ای از استعداد خیر و شر می باشد، هدف تربیت این است که در جامعه بشری خیر و سعادت را به شر قالب و چیره سازد. وقتی فرد از مسیر خود و سعادت آن چنان گاه فراتر گذارد که پیروی از تمایلات نفسانی را به همه چیز ترجیح می دهد، باید به منظور هشدار به چنین انحرافی و جلوگیری از تکرار آن از عامل تنبیه استفاده کرد. (شری، ۱۳۹۱)

به طور یقین همه کارهای خوب و مثبت را دوست دارند و آن را تحسین می کنند و البته افرادی هم که این اعمال را انجام می دهند نزد همه محبوب و قابل قبول میشوند. وقتی کودک کار مثبتی را انجام می دهد و مورد قبول والدین قرار می گیرد، والدین با دادن پاداش و هدیه او را مورد تشویق قرار می دهند و او را تحسین می کنند و با این پاداش و تشویق به او می فهماند که این کار خود را تکرار کند. ولی اگر کودکی خطایی بکند، پدر و مادر او را تنبیه می کنند که این کار تو ناپسند است و با این تنبیه که شاید محروم کردن او از دیدن تلویزیون باشد، به او می گویند این کار خود را تکرار نکند. البته نکته بسیار مهمی در اینجا وجود دارد؛ آن هم اینکه هم تنبیه و هم تشویق نباید از حد خود تجاوز کند، (سیف، ۱۳۷۹) اگر برای کار مثبت تشویق سنگین

انجام گیرد، توقع کودک بالا می رود و دیگر با پاداش های کوچکتر از آن راضی نمی شود و بیشتر از آن می خواهد؛ و همینطور تنبیه اگر بیش از حد باشد می تواند کودک را به آن چیز خاص بد بین کند.

نکته دیگر که در اینجا باید زندگی کرد این است که اگر تنبیه یا تشویق می خواهد صورت بگیرد باید بلافاصله بعد از عمل کودک انجام شود و فاصله ای بین آن نیافتد چون در این صورت، کار کودک را بی ارزش کرده ایم و کودک فراموش می کند که این تشویق و تنبیه به چه خاطر بوده است و اثر تشویق و تنبیه از بین می رود.

اگر خواستیم کودک را تنبیه کنیم باید او را متناسب با عمل که انجام داده است، از یک سری چیزهایی که به آن علاقه دارد محروم کنیم مثلاً یک ساعت او را از بازی کامپیوتری که دوست دارد محروم کنیم. این نمونه تنبیهات نباید به مدت طولانی باشد چون اثر آن چند خواهد شد. و اگر خواستیم کودک را تشویق کنیم چیزهایی را که دوست دارد و در حد توان در اختیار او می گذاریم و متناسب با عمل مثبتی که انجام داده است برایش تهیه می کنیم.

البته در مورد تنبیه کودکان باید در آخر کار یک تشویق هم بر آن صورت گیرد تا کودک انگیزه داشته باشد که این کار خطا را تکرار نکند، و در مورد کار مثبت و تشویق نیز همینطور است، اگر کودکی کار مثبتی انجام داد به او میگوییم که اگر این کار خود را تکرار کند پاداش های بعدی در انتظار او است.

اگر از ابزار های تربیتی تشویق و تنبیه درست استفاده نشود، عمل و رفتار به جای اینکه درونی شده و اصلاح شود تحت تاثیر عامل بیرونی قرار میگیرد (سیف، ۱۳۷۹) به عنوان مثال اگر مربی یا والدین فرزند بگویند که اگر نماز خواندی به تو پول می دهم، به مرور زمان فرزند نسبت به خواندن نماز شرطی شده و اگر پول دادن قطع شد نماز خواندن نیز قطع میشود، و یا اگر مربی بگویند که اگر نماز نخواندی تو را تنبیه می کنم فرزند یاد می گیرد که تا زمانی ترس است باید نماز بخواند و اگر این ترس برطرف شود نماز خواندن نیز قطع میشود. بنابراین باید به گونه ای از تشویق و تنبیه استفاده شود که تشویق به عنوان یک موتور محرکه فرد را به حرکت پایدار در آورد و تنبیه نیز مانند یک ترمز همواره مانع انحراف از جاده راست و مستقیم شود. (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۷).

۳-۱۱ تشویق و تنبیه در آموزه های اسلامی

در قرآن کریم تشویق و تنبیه در کنار هم ذکر شده است و در آن روش بشارت و انذار برای تکامل بخشیدن به انسان ها و تزکیه و ارشاد آنها بسیار استفاده شده است. اسلام نیز، تربیت را بر مبنای تشویق و تکریم شخصیت افراد قرار میدهد و معتقد است که انسان در سایه تشویق به سعادت و خوشبختی نائل میشود و از طرفی در مورد تنبیه به شیوه ای اعتدالی به شکلی محدود برای اصلاح رفتارهای نامطلوب میپذیرد. روان شناسان نیز براین باورند که انسانها همواره مایلند که مورد تحسین و تمجید قرار گیرند و باعث به وجود آمدن اعتماد به نفس و تقویت عزت نفس میشود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ما حقایق قرآن را سهل و آسان به زبان تو آوردیم تا اهل تقوا را بشارت دهی و معاندان لجوج را بترسانی. چنانچه میبینیم تشویق و امر به معروف، نیکی و بشارت به تحقق وعده الهی بر تنبیه و عذاب مقدم است.

۴. نتیجه گیری

تشویق و تنبیه دو ابزار است که برای قوت بخشیدن به امر تعلیم و تربیت و گسترش آن و سالم سازی فضای خانه، مدرسه و جامعه ضروری است. بشارت و انذار پیامبران الهی و پاداش و کیفر، وعده و وعید دینی بر همین منوال استوار است. این دو روش باید به شکلی صحیح اجرا شود تا موجب آرامش روح و روان گردد. مطالعات نشان می دهد که اثر تشویق بیشتر از تنبیه است و تا حد امکان باید از تنبیه خودداری شود زیرا تنبیه عوارض ناخوشایندی دارد و اغلب اوقات تاثیر و بار تربیتی خود را از دست میدهد. تشویق کردن مقدم بر تنبیه است و بار تربیتی بیشتری هم دارد. اگر تشویق به موقع و سنجیده صورت گیرد، ممکن

است دیگر نیازی به اعمال تنبیه نباشد. کودکی که از مربیان خود به جای تشویق، تحقیر شود و سرزنش ببیند، خود باخته و افسرده می شود در حالیکه تشویق خاصیت بازدارندگی دارد و با استمرار کار خیر و همراهی تقویت کننده های مثبت، گرایش به کار زشت در نوجوان کاهش می یابد. ممکن است با یک تشویق و یا تنبیه به موقع و به جا و با توجه به شرایط لازم آن، زندگی یک فرد از مسیر انحرافی به راه راست کشیده شود و هستند دانش آموزانی که به خاطر ترس از تنبیه، به مدرسه نرفته و ترک تحصیل کردند.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آبش زاده اصل، حامد، آقایی، مهدی، آزمون، سعید. ۱۳۹۵. الگوی جامع تنبیه و تشویق کودکان و نوجوانان. تهران: پژوهشگاه های دانشگاه.
۳. امیرکبیر. ۱۳۸۴. تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: صدرا.
۴. بهشتی، محمد و همکاران. (۱۳۷۷). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۵. پور حسین، رضا. ۱۳۸۹. تنبیه و تشویق کودکان خردسال.
۶. خورشیدی، محمدموسی و حشمت زاده، سیده مریم، ۱۴۰۱، تشویق و اثرات آن در یادگیری دانش آموزان، دهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۰). سیری در تربیت اسلامی. چاپ اول. تهران: نشر ذکر
۸. سانتراک، جان دلیو. (۱۳۹۸). روان شناسی تربیتی، ترجمه شاهده سعیدی، مهشید عراقچی و حسین دانش فر. تهران: انتشارات رسا، چاپ ششم، ص ۴۸۵
۹. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۹). روانشناسی تربیتی، چاپ دوم، تهران: پیام نور.
۱۰. شری، جان. ۱۳۹۱. قدرت والدین. ترجمه فاطمه اعلمی. تهران: پیدایش.
۱۱. فارابی، ابونصر. (۱۳۷۱). التنبيه على سبيل السعادة. شرح جعفر آل ياسين. تهران: حکمت
۱۲. قائمی، علی. (۱۳۷۷). سلسله مقالات هدایت نوجوان به سوی نماز.
۱۳. کشاورز، عباس، منصوری، فرحناز. (۱۳۹۴). تشویق یا تنبیه. مشهد: انتشارات مرنديز.
۱۴. مسعودی راد، امیرحسین، بهنام، رسول، و مسعودی راد، مانده. (۱۴۰۰). بررسی نقش تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی. نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۴)، ۵۶-۶۷.
۱۵. ممتحن، مهدی. (۱۳۹۱). واکاوی نگاره های تعلیمی-تربیتی تشویق و تنبیه. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۴(۱۵)، ۱۵۷.